

لطف خداوند ما عیسی مسیح، محبت خدا و مشارکت روح القدس با همه شما باد. آمین
اگر با زبان خود اعتراف کنی که عیسی خداوند است و در قلب خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان
برخیزانید، نجات خواهی یافت. زیرا اگر کسی با دل ایمان آورد، عادل می‌شود. و اگر مردی با زبان خود اعتراف کند
نجات می‌یابد. زیرا کتاب مقدس می‌گوید (اشعیا ۲۸، ۱۶): "هر که به او ایمان بیاورد شرمند نخواهد شد." در اینجا
هیچ تفاوتی بین یهودیان و یونانیان نیست. همان خداوند است و برای همه کسانی که او را می‌خوانند کافی است. زیرا
"هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت" (یوئیل ۳: ۵). اما آنهایی که به او ایمان ندارند، چگونه او را بخوانند؟
چگونه می‌توانند به او ایمان بیاورند، آنهایی که از او شنیده‌اند؟ چگونه می‌توانند بشنوند، وقتی که دعوت کننده ای
ندارند؟ چگونه می‌توانند دعوت کنند، وقتی که فرستاده نشده‌اند؟ همانطور که نوشته شده است (اشعیا ۵۳: ۷): "چه
زیبایست پاهای کسانی که شادی می‌آورند و به چیزهای خوب دعوت می‌کنند." زیرا اشعیا می‌گوید (اشعیا ۵۳: ۱):
"خداوند، چه کسی به آنچه ما موعظه می‌کنیم ایمان خواهد آورد؟" پس ایمان از موعظه می‌آید و موعظه از کلام
عیسی. رومیان ۹: ۱۰ - ۱۸
بیاید دعا کنیم: پروردگارا، ما را در حقیقت خود تقدیس کن. حرف تو حقیقت است. آمین

اعضای گرامی کلیسا!

رانندگان قطار بارها در آلمان دست به اعتصاب زده‌اند. این اعتصابات تأثیر قابل توجهی بر زندگی عمومی داشته،
زیرا رانندگان قطار در شغل خود دارای یک موقعیت کلیدی هستند که هنگام مذاکره در مورد دستمزد از آن استفاده
کامل می‌کنند: بدون آنها، قطارها حرکت نمی‌کنند و بنابراین می‌توانند فشار زیادی را توسط یک اعتصاب وارد کنند.
آیا می‌توانید تصور کنید که همه کشیش‌ها روزی اعتصاب کنند؟ و اگر انجام دهند، چه عواقبی در پی خواهد داشت؟
در اخبار، گزارش اعتصاب کشیش‌ها کمتر در قسمت «متفرقه» ظاهر می‌شود، زیرا اقتصاد ملی با اعتصاب کشیش
آسیب نمی‌بیند و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان آلمانی به هر حال متوجه آن نمی‌شوند مگر اینکه عروسی یا مراسم
تشییع جنازه در پیش داشته باشند یا زمان رسیدن شب سال نو باشد.
بله، اگر کشیش‌ها همه اعتصاب کنند، احتمالاً مردم در بسیاری از جماعت‌ها می‌گویند: خوب، در کوتاهمدت، بدون
کشیش همه چیز می‌تواند به خوبی انجام شود.
نه، بدیهی است که کشیشان جایگاه کلیدی مشابهی با رانندگان قطار ندارند. فقط به همین دلیل، آنها عاقلانه تصمیم
خواهند گرفت که اعتصاب نکنند زیرا فقط به خودشان آسیب می‌زنند.
اما پولس رسول در این رساله چیز بسیار مهمتری را برای ما توضیح می‌دهد، و به همین دلیل است که اگر کشیش‌ها
ایده اعتصاب را به ذهنشان راه دهند دیوانه‌کننده خواهد بود. زیرا در کلیسا این موضوعات جاری است:

نجات

گوش دادن

فرستادن

چندی پیش بود که گروه حرفه‌ای دیگری که در کشور ما جایگاهی کلیدی دارد دست به اعتصاب زد: پزشکان
بیمارستان. بله، آنها هم توانستند فشار کافی وارد کنند.
اما طبعاً پزشکان بیمارستان هرگز آنقدر اعتصاب نخواهند کرد که هیچ‌کس در بیمارستان کار نکند و اصلاً عمل
دیگری انجام نشود. وقتی نوبت به نجات جان مردم رسید، طبعاً پزشکان وارد عمل شدند و بیماران را با شکم باز
روی میز عمل کشیدند. آنها مسئولیتی داشتند که نمی‌توانستند از آن شانه خالی کنند.
کلیسا همچنین یک ایستگاه نجات است. این یک انجمن فرهنگی نیست که چند پیشنهاد خوب و جالب بدهد که اگر لغو
شود اندکی ناراحت کننده باشد، اما همیشه بتوان آن را جبران کرد.
بلکه کلیسا درباره مردمی است که نجات می‌یابند، از مرگ ابدی نجات می‌یابند، به زندگی ابدی راه می‌یابند. پس در
کلیسا بیش از هر بیمارستانی مردمی برای نجات است.
و تنها به همین دلیل، کشیش‌ها نمی‌توانند اعتصاب کنند، زیرا همان چیزی که در مورد پزشکان اورژانس بود، در
مورد آنها صدق می‌کند: آنها نمی‌توانند مسئول این باشند، که افرادی که نیاز فوری به نجات دارند را بدون درمان رها
کنند.

اکنون ممکن است مخالفت شود: پولس در اینجا روشن می‌کند که نجات در واقع بسیار ساده است. لازم نیست یک

کشیش همیشه آنجا بایستد. پولس در اینجا از یوئیل نبی نقل می کند که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. بله، درست است: نجات از مرگ ابدی و ورود به زندگی ابدی آسان است.

من مجبور نیستم مجموعه ای از آثار خوب برای نشان دادن آن داشته باشم. من مجبور نیستم انواع مقررات و قانون ها را رعایت کنم، مجبور نیستم زندگی شایسته و بی عیب و نقصی داشته باشم، مجبور نیستم این رستگاری را خودم به دست بیاورم و نمی توانم. چون اصلاً نمی توانم خودم را نجات دهم. من فقط می توانم نجات پیدا کنم.

و همین بس که من نجات دهنده خود را بشناسم و نام او را بخوانم: خداوند عیسی مسیح به من رحم کن. کمک کن نجاتم بده! هر کس این کار را انجام دهد قطعاً نجات خواهد یافت.

اما برای انجام این کار باید منجی خود را نیز بشناسم و باید بدانم به چه کسی مراجعه کنیم. اگر در خانه من آتش سوزی شد، باید بدانم با ۱۱۲ تماس بگیرم. اگر در عوض با گوینده زمان تماس بگیرم و از آنها بخواهم که مرا نجات دهند، هیچ فایده ای برای من نخواهد داشت.

و نجات من از مرگ ابدی چنین است. تنها یک نجات دهنده وجود دارد که می تواند به من کمک کند و آن خداوند و نجات دهنده من عیسی مسیح است که برای من مرد و دوباره زنده شد. من باید این را بدانم، باید به آن اعتماد کنم. به عبارت دیگر، من با ایمان به او نجات پیدا می کنم. اگر با دهان خود اعتراف کنید که عیسی خداوند است و در قلب خود ایمان داشته باشید که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهید یافت.

من نجات نمی یابم فقط چون یک فرد با ایمان هستم، زیرا معتقدم که پدری مهربان بالای آسمان پر ستاره وجود دارد. بلکه من فقط با چسبیدن به مسیح نجات پیدا می کنم، زیرا می دانم که او می تواند من و هر کس دیگری را نجات دهد و خواهد کرد.

همانطور که گفتیم، بسیار ساده است. من مجبور نیستم کاری انجام دهم؛ یک فریاد برای کمک به آدرس درست کافی است.

این ما را به نکته دوم می رساند: کلیسا در مورد گوش دادن است. اما چگونه می توانند به او ایمان بیاورند، کسانی که از او نشنیده اند؟ - این چیزی است که پولس رسول در اینجا بیان می کند.

ایمان یک غریزه نیست که از بدو تولد با خود داشته باشیم و فقط با کمی تربیت، در لحظه مناسب به داد ما برسد و ما را از ابهام بیرون بیاورد.

نه، اگر کسی از عیسی به عنوان پروردگار و نجات دهنده خود نشنیده بود، اگر این امر به آنها اعلام نمی شد، اگر این اعلامیه ایمان در آنها کارساز نبود، هیچ فردی به این فکر نمی رسید که عیسی را به عنوان پروردگار و نجات دهنده خود بخواند.

این اعلامیه فقط اطلاعات خوبی نیست که به مردم منتقل می شود، که مردم آن را یادداشت کنند و سپس به خاطر بیاورند.

این اعلامیه بی نهایت بیشتر از اطلاعاتی است که کم و بیش زیبا ارائه شده اند. این قدرت را دارد که این ایمان را در مردم ایجاد کند و همچنین این قدرت را در زندگی تو و من توسعه داده است.

مطمئناً، همانطور که پولس در اینجا کاملاً با متانت می گوید: افرادی هستند که این اعلامیه را رد می کنند، نمی خواهند چیزی در مورد این پیام بدانند، راه ورود به درون خود را می بندند و خود را منزوی می کنند. تکان دهنده است، اما واقعیت دارد.

اما وقتی مردم این پیام را باور می کنند، وقتی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود می خوانند، به این دلیل نیست که از این دیگران بهتر هستند، به خاطر قدرت اراده آنها نیست، به خاطر تصمیم آنها نیست. نه، ایمان تنها از شنیدن می آید، همانطور که رسول در اینجا تأکید می کند. ایمان تنها زمانی به وجود می آید که خدا از طریق پیام اعلام شده در دل مردم کار کند.

اکنون می توانیم واقعاً در این نقطه توقف کنیم و در واقع اجازه دهیم کشیش ها با خوشحالی اعتصاب کنند: مردم با دعوت از مسیح به عنوان پروردگارشان نجات می یابند. برای اینکه او را بخوانند باید از مسیح بشنوند. خوب، ما به عنوان یک جامعه می توانیم در صورت لزوم خودمان این کار را انجام دهیم. لازم نیست الاهیات خوانده باشید تا به دیگران بگویید که مسیح برای آنها مرد و دوباره زنده شد، که او همچنین نجات دهنده آنهاست.

اما پولس در خط استدلال خود در اینجا یک قدم فراتر می رود، گامی که ممکن است لزوماً انتظارش را نداشته باشیم. او می نویسد: «اما اگر مبعوث نشدند، چگونه می توانند موعظه کنند؟»

من نمی توانم فقط موعظه کنم زیرا احساس می کنم برای انجام این کار فراخوانده شده ام. به عنوان مسیحی، همه ما

قطعاً وظیفه داریم برای خداوند خود عیسی مسیح شاهد باشیم.

«اگر فرستاده نشوند، چگونه می‌توانند موعظه کنند؟» این فرستاده شدن، تشریفاتی دارد. به همین دلیل کلیسا نمی‌تواند بدون خادمین منسوب کلام کار کند. مسیح دقیقاً می‌خواهد کلیسای خود را از طریق این خدمت به افرادی که در طول زندگی آنها را مسئول می‌داند، بسازد. بنابراین، کشیش‌ها از قبل چیزی شبیه به "مقام کلیدی" به معنای واقعی کلمه دارند، زیرا مرکز کلیدها به آنها سپرده شده است.

این مأموریت آنهاست که با وعده بخشش درهای بهشت را به روی مردم باز کنند.

اما این پست کلیدی، موقعیت قدرت نیست. هرگز نمی‌تواند و نباید توسط کسانی که این خدمات را ارائه می‌دهند برای منافع شخصی مورد سوء استفاده قرار گیرد.

کشیش‌ها فقط در ظاهر توسط مؤسسه‌ای استخدام می‌شوند که از آن پول دریافت می‌کنند. در واقع، شخص دیگری کارفرمای آنهاست: هیچ‌کس به جز خود مسیح. او آنها را فرستاد، و در واقع بدون اعطای حق اعتصاب بیرون فرستاد.

آنها فرستاده می‌شوند حتی اگر هیچ صندوق کلیسایی وجود نداشته باشد که آنها را از کسب درآمد معاف کند و آنها را قادر سازد تمام وقت خود را وقف خدمات خود کنند. آنها فرستاده می‌شوند حتی اگر یک سنت از کلیسا برای خدمت خود دریافت نکنند.

مأموریت از طریق مسیح نمی‌تواند لغو شود. می‌ماند زیرا این نه در مورد خدمات است و نه در مورد کسب درآمد. ایستگاه نجات کلیسا در مورد نجات مردم، در مورد رسیدن به کلمه نجات دهنده انجیل است.

به همین دلیل است که ما می‌خواهیم بارها و بارها دعا کنیم که مسیح از فرستادن رسولان خود و ایجاد ایمان عملی در میان مردم از طریق کلام دست نکشد. این تقریباً بی‌نهایت بیشتر از دویچه بان است. این در مورد نجات ابدی است. آمین

و صلح خدا که از هر فهمی برتر است، دلها و افکارشان را در خداوند ما عیسی مسیح حفظ خواهد کرد. آمین